



در سده‌ی بیستم، نسلی از تاریخ‌نویسان در تاجیکستان تربیت شدند که نام **ظریف رجب‌اف** در میان آن‌ها می‌درخشد. او اولین رئیس دانشگاه ملی این کشور فارسی‌زبان بود و **منصور بابا خان‌اف** شاگرد او بوده است. ویژگی بارز و مشترک تقریباً همه‌ی این تاریخ‌نویسان و شاگردان‌شان تأثیرپذیری از جهان‌بینی روسی و اندیشه‌های مارکسیستی در بررسی‌های تاریخی است. زیرا در تاریخ‌نگاری قوم تاجیک، روس‌ها پیشگام بودند و در این زمینه، نام **یوژ کوف، شیشف، یوگنی کوزنتسوف** شایان ذکر است. شیشف هم مقاله‌هایی درباره‌ی تاریخ قوم تاجیک نوشت هم سه جلد کتاب زیر عنوان تاجیکان نگاشت و در هر جلد هدف خاصی را دنبال می‌کرد: در یک جلد به معرفی قوم تاجیک پرداخت، در جلد دیگر به دین و مذهب این قوم از اقوام ایرانی از نظر مردم‌شناسی پرداخت، و در جلد دیگر مسائل قوم‌نگاری را طرح و شرح کرد. این سنت هم‌چنان حفظ شد تا این که دانشمندی چون **بارتولد اندره‌یف** آثار ماندگاری به یادگار گذاشتند.

راجع به تاجیکان خارج از کشور تا کنون دو کتاب نوشته شده که یکی به قلم **حسن‌بای شریف‌اف** از خجند به عنوان «**تاجیکان برون‌مرزی**» و دیگری کتاب **منصور باباخانوف** با عنوان «**تاریخ تاجیکان جهان**» است. باباخان‌اف بر آن است چند پرسش را طرح و تحلیل کند: ضرورت شناخت تاجیکان خارج از کشور چیست؟ عوامل اصلی مهاجرت تاجیکان به نقاط دیگر جهان چه بوده؟ به چه کشورهایی یا قسمت‌هایی از جهان مهاجرت کردند؟ آثار مثبت و منفی این مهاجرت‌ها بر جامعه‌ی تاجیکستان چه بوده است؟ قلمرو جغرافیایی مهاجرت تاجیکان تا کجاست یا تا کجا خواهد بود؟

در چاپ اول کتاب، که به فارسی تاجیکی و به خط سیریلیک است درباره‌ی تاجیکان ۱۷ کشور بحث شده بود و در نسخه‌ی روسی آن قلمرو جغرافیایی موضوع کتاب گسترش یافته و درباره‌ی تاجیکان در ۳۰ کشور بحث شده است. سال ۲۰۰۴ انتشارات دیواشتیج آن را به عنوان کتاب درسی به زبان روسی چاپ کرد و قرار است نسخه‌ی تاجیکی نیز مانند نسخه‌ی روسی به عنوان کتاب درسی اعلام شود و از نظر قلمرو جغرافیایی موضوع کتاب مورد تجدید نظر قرار گیرد. گفتنی است کتاب با خرنالوگی آغاز می‌شود و آنگاه به جغرافیای تاجیکان خارج از کشور می‌پردازد. پیش از همه به آسیای میانه توجه دارد و اولین کشوری که برای موضوع کتاب انتخاب شده، ازبکستان است. چون به نظر مؤلف، یکی این که مشترکات تاریخی و مذهبی فراوان میان دو قوم تاجیک و ازبک وجود دارد؛ دوم این که تعداد تاجیکان در ازبکستان بیش از هر کشور دیگری است؛ و سوم این که سمرقند و بخارا، ضمیمه‌ی خاک ازبکستان شده است. جالب این‌جاست که مؤلف پس از کشورهای آسیای میانه به روسیه و شرق اروپا توجه دارد و تاجیکان ایران پس از این کشورها شناسانده شده‌اند. به‌راستی چرا جغرافیای مهاجران تاجیک اینگونه طرح و ترسیم شده است؟ بخاطر این که او اولویت را به سرزمین‌های شوروی سابق داده و ایران در قلمرو شوروی نبود.

دانشمندی چون **یعقوب‌اف و عثمان‌اف** نیز به سهم خود کتاب‌های ارزشمندی نوشته‌اند؛ اما قلمرو کار آنان از نظر زمانی و مکانی با کار باباخان‌اف فرق دارد. روزنامه‌نگار پُر کار، **حسین مقصوداف**، نیز در این زمینه پژوهش‌هایی به عمل آورد. او به هر کشوری که می‌رفت، درباره‌ی تاجیکان چیزی می‌آورد. بابا خان‌اف در کتاب خود بارها به نوشته‌هایش ارجاع داده و به عنوان سند معتبر

## فارسی‌زبانان

از تاریخ خلق تاجیک تا تاریخ تاجیکان جهان

• مرتضی رزم آرا



■ تاریخ تاجیکان جهان

■ منصور باباخانوف

■ دوشنبه، دواشتیج، ۲۰۰۴ (به زبان روسی)

از آن‌ها استفاده کرده است. روزنامه‌نگاران معروف حلیمه خوش قدموا و طلب شاه خالق راجع به سرنوشت تاجیکان روسیه کتاب‌هایی نوشتند. خوش بختانه روزبه‌روز بر تعداد این نوع پژوهش‌ها افزوده می‌شود. امروزه متخصصان ادبیات و روزنامه‌نگاری چون **دادجان رجبی، سلیم ایوب‌زاد، منصور سروش، محمدرحیم سبیدر، محمد اگم‌زاد** نیز به این موضوع روی آورده‌اند. افزون بر این‌ها، چند سال پیش، به همت جمعی از روشن‌فکران تاجیک، فیلم مستند تاجیکان دنیا روی صحنه آمد و برخی آن را بهترین معرفی تاجیکان خارج از کشور در قرن ۲۰ دانسته‌اند که استاد منصور بابا خان‌اف نیز به عنوان مشاور در تهیه‌ی فیلم‌نامه‌ی آن حضور داشت.

منصور بابا خان‌اف مورخ، استاد تاریخ، رئیس مرکز علمی-تحقیقاتی تاجیکان جهان و عضو انجمن تاجیکان و فارسی‌زبانان جهان یعنی «پیوند»، به غیر از تدریس تاریخ تاجیکان جهان، به تدریس درس تاریخ تاجیکان روسیه (نیمه‌ی دوم قرن ۱۶ تا ابتدای قرن ۲۱) نیز مشغول است و در همایش بین‌المللی که در بهار ۲۰۰۶ در دانشگاه روسی در تاجیکستان برگزار شد، در موضوع نقش تاجیکان در روند اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روسیه در قرن‌های ۱۷ تا ۱۹ سخنرانی کرد. این موضوعی است که تحقیق آن را تا سال ۲۰۱۰ به عنوان طرح پژوهشی دنبال خواهد کرد. پیش از این، در شهر تابلوسک در استان تومن درباره‌ی مهاجران تاجیک در سیبری و تاجیکان سیبری در منابع علمی سخنرانی کرده بود. به نظر او، هنوز تاتارهای سیبری خود را به اجداد بخاریان منسوب می‌کنند و این البته بی‌سبب نیست. اقامت تاجیکان در روسیه، به سده‌ی ۱۶ م برمی‌گردد و آن‌ها نخست، سیبری را بنا به دلایلی محل اقامت خود انتخاب کردند. سیبری در زمان آلتین اوردا که ساکنانش اساساً ترک‌زبان بودند زمینه‌های پذیرش و گسترش اسلام را داشت. در آغاز سده‌ی ۱۶ م نوه‌ی **عبدالخیرخان، محمد شیبانی** بعد از آن که به سلطنت در آسیای مرکزی تکیه زد، کوشید قلمرو خود را در سیبری گسترش دهد و اسلام را در سیبری غربی گسترش داد. ایبایوا در تابلوسک یکی از بزرگ‌ترین مناطق زندگی بخاری‌ها بود و در سده‌های میانه، بزرگ‌ترین مدرسه و کتابخانه‌ی سیبری در همین شهر واقع بود. در این کتابخانه دست‌نویس‌های گرانبهای وجود داشت که از بخارا آورده بودند. در کار مدرسه، دانشمندان بخاری‌نقشی مهم ایفا می‌کردند. آرامگاه شیخ خان بخاری در سیبری آستانه نام گرفت، هم‌چنین مکان مقدس و مورد احترام اهالی و مکه‌ی مسلمانان آن‌جا شد. طبق نوشته‌های محققان روس، مانند **بیلچ و یارکوف**، از آنجا که فاصله‌ی مکه‌ی مکرّمه تا سیبری خیلی دور بود، در گذشته اگر کسی هفت بار مرقد **حکیم عطا** در قبرستان اول بشیرا را زیارت می‌کرد، آن را با ادای مراسم حج برابر می‌دانستند. این نیز گفتنی است که انگیزه‌ی دیگر بابا خان‌اف آشنایی با نخبگان تاجیک در خارج از تاجیکستان است. مثلاً در دانشگاهی در سیبری با یک پروفیسور تاجیک آشنا شد که مقاله‌های او در مجله‌های بین‌المللی به زبان‌های انگلیسی، روسی، لهستانی، مجاری، استونی، یونانی، ژاپنی، آلمانی در رشته‌ی فیزیک چاپ شده‌اند.

در رسانه‌های تاجیکستان بارها با بابا خان‌اف درباره‌ی تاریخ تاجیکان خارج از کشور مصاحبه کرده‌اند از جمله شادی شاکرزاده طی یک گفت‌وگوی مفصل و خواندنی با عنوان «انجمن آرا: تاجیک همه‌جا و تاجیکستان یکتا [یک‌جا] است» در مجله‌ی معارف (ش ۱، ۲۰۰۶)، وابسته به وزارت علوم تاجیکستان)

به سرگذشت تاجیکان در کشورهای دیگر، ضرورت شناخت آن‌ها و نقد و نظری بر انجمن تاجیکان و فارسی‌زبانان پرداخته است. به نظر بابا خان‌اف، بین تاریخ خلق (= قوم) تاجیک و تاریخ تاجیکان جهان فرق بسیار است. تاریخ خلق تاجیک یعنی تاریخ مردم تاجیکستانی که امروزه آن را به عنوان یک کشور در آسیای میانه می‌شناسیم و تاریخ تاجیکان جهان سرگذشت و سرنوشت تاجیکانی است که در خارج از تاجیکستان امروزی زندگی می‌کنند. به نظر این تاریخ‌نویس، هر چند همه نمی‌توانند این تعریف را بپذیرند؛ اما به هر حال هر حرف و سخن تازه برای پذیرش همگانی نیاز به زمان دارد و تاریخ تاجیکان جهان با این تعریفی که او ارائه داده است، عنوان یک واحد درسی در دانشگاه شده و شخصاً کتاب درسی به همین عنوان تألیف کرده است. اما برخی با طرح تاریخ تاجیکان جهان موافق نیستند.

او به نقل از دیگران، دلیل مخالفت برخی با درس تاریخ تاجیکان جهان را یکی این می‌داند که چنین درسی در کشورهای دیگر وجود ندارد مثلاً در ایران درسی به عنوان تاریخ ایرانیان خارج از کشور وجود ندارد. به نظر او ما نباید بنشینیم و ببینیم که در کجا چه درسی وجود دارد و ملاک و معیار کارهای ما چیزی باشد که عیناً در جای دیگر هست؛ ما باید به دنبال نیازهای خود باشیم و ببینیم که در کجا زندگی می‌کنیم چه شرایطی داریم. به نظر او، نیازها و شرایط جامعه‌ی تاجیکستان بود که انگیزه‌ی اصلی برای این کار شد. در جلسه‌ها و بحث‌های علمی دانشجویان و همکاران دانشگاهی و غیر آن، از این موضوع استقبال کردند و نتیجه این شد که کتاب تاریخ تاجیکان جهان نوشته و به عنوان کتاب درسی دانشگاهی تصویب شد. او این همه را به برکت استقلال تاجیکستان می‌داند و معتقد است تا پیش از استقلال، یعنی در زمان شوروی، از نظر علمی و عینی پرداختن به این مسائل یعنی وضع فرهنگی، سیاسی تاجیکان، ازبک‌ها یا افغان‌ها و غیره ممکن نبود و آن را دخالت در امور کشور می‌دانستند. رهبران آن وقت، به بهانه‌ی تیره نشدن روابط با دولت‌های دیگر، به سود و صلاح تاجیکانی که در بیرون از تاجیکستان زندگی می‌کردند، اهمیت نمی‌دادند. بیشتر علما و ادبای تاجیک و ملت‌های دیگر نیز خواه و ناخواه پیرو این سیاست شده بودند؛ که نهایتاً در برخی تاجیکان خارج از کشور منجر به سست شدن و کم‌رنگ شدن جایگاه زبان و فرهنگ آن‌ها شد و سرانجام کم شدن تعداد جمعیت آن‌ها را به دنبال داشت. تاجیکان امروز در نقاط مختلف جهان آسیا، آفریقا، اروپا و آمریکا به سر می‌برند بیشتر آن‌ها در وطن تاریخی خود ماوراءالنهر و خراسان، یعنی آسیای مرکزی در تاجیکستان، ازبکستان، قرقیزستان، ترکمنستان و قزاقستان زندگی می‌کنند. افزون بر این، شمار بسیاری در افغانستان و ایران و شبه‌قاره‌ی هند سکونت دارند. در سال‌های اخیر، عده‌ای نیز به آفریقا و اروپا و آمریکا مهاجرت کرده‌اند. تعداد تاجیکان خارج از کشور در مقایسه با تاجیکان داخل کشور تقریباً بیش از هفت برابر است؛ ولی متأسفانه تاریخ آن‌ها تاکنون در جایی بررسی دقیق نشده است. بعد از فروپاشی شوروی، با توجه به تحولات به وجود آمده، به علت مسائل سیاسی و نوع مناسبات میان کشورها، شناخت تاجیک‌ها بسیار مشکل شده و در این شرایط سخت، تحقیق درباره‌ی تاریخ تاجیکان جهان و مسائل مختلف آن، گاه در هاله‌ای از ابهام می‌ماند.

بابا خان‌اف این پرسش را مطرح می‌کند که آیا در چین تاجیک‌ها زندگی



باید از تجربه و توانایی آن‌ها بهره برد و ضرورت این کار، شناخت درست آن‌هاست.

مطلب دیگری که او در این کتاب به آن می‌پردازد، تأثیر دین اسلام در آمیزش قومی است. به نظر منصور بابا خان‌اف از نظر تاریخی، دین اسلام در تاریخ تمدن بشری، خصوصاً اقوام ایرانی تبار نقش بسیار مثبت و سازنده داشته و در آمیزش تاجیکان با اقوام دیگر مؤثر بوده است. اما نباید از نظر دور داشت که برخی تأثیرگذاری دین را منفی ارزیابی می‌کنند. او یکی از عوامل آمیزش تاجیکان با اقوام غیرتاجیک را، قبول دین اسلام از طرف مغول‌ها می‌داند و عنوان می‌کند تا زمانی که مغول‌ها دین اسلام را قبول نکرده بودند، ازدواج تاجیک با مغول ممنوع بود؛ اما اسلام سبب شد که از رهگذر مسلمان شدن، تاجیکان با اقوام دیگر، به‌خصوص با ترک‌زبان‌ها بیشتر آمیخته گردند و نفوذ ترک‌ها را به‌واسطه‌ی دین اسلام طرح و تحلیل می‌کند. او نمی‌گوید که اسلام سبب شد پای ترک‌ها به این سرزمین کشیده شود؛ بلکه معتقد است پیش از ورود اسلام به آسیای میانه، نفوذ ترکی وجود داشت اما اسلام مزید بر علت شد و مسأله‌ی دین در واقع به نفع ترک‌ها در آسیای میانه رقم خورد؛ زیرا به نفوذ بیشتر ترک‌ها دامن زد. به نظر او، در بین ما تاجیک‌ها عرق ملی به اندازه‌ی عرق مذهبی قوی نیست و عناصر ملی در مقایسه با عناصر دینی و مذهبی کم‌رنگ است. وقتی پای روس‌ها به آسیای میانه و سرزمین‌های فارسی‌زبان در این بخش از قلمرو زبان فارسی کشیده شد، آنان برای برقراری ارتباط با تاجیک‌ها هم، از مترجمان ترک بهره می‌گرفتند و به فارسی تاجیکی اعتنائی نمی‌شد. حتا قاضی ارشد سمرقند که تاجیک بود، به ژنرال روس نه به زبان تاجیکی، بلکه به زبان ترکی نامه می‌نوشت تا برای او قابل فهم‌تر باشد و این‌همه نشان از نفوذ ترکی در قوم تاجیک دارد.

با توجه به این مطالب و هدف‌ها بود که مؤلف کتاب را به بررسی تاجیکان ۳۰ کشور گسترش داد و یکی از این کشورها ایران امروز است. نقاط قوت و ضعف پژوهش‌های مربوط به تاجیکان ایران را طرح و شرح کرده و آرزوی استفاده از منابع بیشتر در ایران را دارد.

به نظر می‌رسد در این کتاب، بیشتر به اثرات و پیامدهای مهاجرت تاجیکان پرداخته شده تا زمینه‌ها و سبب‌های آن. شاید به همین دلیل، مؤلف در بررسی تاریخی خود، به تاریخی اندیشیدن آن‌گونه که در رهیافت روبینز (Robin) در بررسی تاریخ زبان‌شناسی پرداخته، چندان توجه نکرده است. افزون بر این، شایسته است ساختار کتاب به کتاب درسی مانند شود؛ و پایگاه‌های اینترنتی به مناسبت معرفی شود. به‌رغم این نکته‌ها، نباید اهمیت کار او را دست کم گرفت؛ خصوصاً راهی را که او با پشتکار فوق‌العاده و تحسین‌برانگیز دنبال می‌کند، نیاز به سپاس و منت‌داری است و در اختیار گذاشتن مواد بیشتر بهترین سپاس از او.

### پی‌نوشت:

۱. مرتضی رزم آرا متخصص «زبان‌شناسی و ارتباطات بین فرهنگی» است که درباره‌ی فرهنگ و تمدن ایرانی در شبه‌قاره هند و آسیای مرکزی تحقیق می‌کند. «تاریخ‌نگاری در شبه‌قاره» که در جلد ۱۴ دایره‌المعارف بزرگ اسلامی چاپ شده، نوشته‌ی اوست.

نمی‌کنند؟ و با این پرسش می‌خواهد بگوید که متأسفانه در مهم‌ترین کتاب‌ها درباره‌ی تاجیک‌ها، حتی در کتاب پنج جلدی تاریخ خلق تاجیک، به تاجیک‌های چین اشاره‌ای نشده است. در این کتاب‌ها، درباره‌ی تاجیکان آمریکا و عموماً خارج از کشور که چندبرابر جمعیت فعلی تاجیکستان است، اطلاعاتی داده نمی‌شود. به نظر او، واقعیت این است که ما کتاب جامع تاریخ خلق تاجیک نداریم. حتی بزرگ‌ترین و معتبرترین کتاب موجود یعنی «تاجیکان» نوشته‌ی باباجان غفوروف از کاستی‌ها به دور نیست؛ در زمان او میسر نبود که همه‌ی اطلاعات لازم را گردآوری کند. زمان آن رسیده که ما تاجیک‌ها به این کار همت گماریم. کتاب او به عنوان یک کتاب مرجع، پیش از همه تاریخ غم‌انگیز تاجیکان را در حدود تاجیکستان امروزی و آسیای میانه شامل می‌شود و بقیه‌ی کتاب‌ها و نوشته‌ها که به تاریخ خلق تاجیک می‌پردازند، از نظر جغرافیایی یا رافراتر از باباجان غفوروف نگذاشته‌اند. شایسته است مسائل مربوط به افغانستان و هندوستان که به تاریخ تاجیک‌ها ارتباط دارند، کاملاً بررسی شوند. بابا خان‌اف پس از این مطلب، عنوان می‌کند که برای شناخت همه‌جانبه‌ی تاریخ خلق تاجیک، مراکز پژوهشی بسیاری در تاجیکستان وجود دارند؛ اما این مراکز به بررسی تاریخ تاجیکان تاجیکستان و یا حداکثر تاجیکان آسیای مرکزی و افغانستان می‌پردازند. یعنی به تاریخ ۶ میلیون تاجیک در تاجیکستان می‌پردازند؛ اما برای شناخت تاجیکان خارج از کشور که چندبرابر جمعیت تاجیکستان است، هیچ مرکز علمی یا دانشگاهی وجود ندارد. از این رو طی نامه‌ای به وزیر علوم تاجیکستان پیشنهاد کرد:

۱- تأسیس گروه آموزشی تاریخ تاجیکان جهان یا دفتر پژوهشی - آموزشی در دانشگاه؛

۲- تصویب درس تاریخ تاجیکان جهان به عنوان واحد درسی در مدارس و دانشگاه‌ها؛

۳- تأسیس مرکز علمی - پژوهشی برای بررسی همه‌جانبه‌ی مسائل تاریخی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی تاجیکان جهان.

گفتنی است این مرکز در تاریخ ۳۱ ماه مه ۲۰۰۶ در دانشگاه ملی تاجیکستان تأسیس شد و عنوان این مرکز به دو زبان انگلیسی و فارسی (خط فارسی و سیریلیک) بر سر در آن به چشم می‌خورد.

او تاجیک‌ها را به عنوان یکی از اقوام ایرانی معرفی می‌کند، وطن اصلی و تاریخی تاجیکان را خراسان بزرگ و زبان آن‌ها را زبان فارسی می‌داند و معتقد است که این سرزمین از قدیم منطقه‌ی تمدن‌ساز بود.

نکته‌ی دیگری که در این کتاب مورد بحث قرار گرفته است، عوامل اصلی مهاجرت تاجیکان به نقاط دیگر جهان است. آیا این مهاجرت‌ها به نفع قوم تاجیک بوده یا به زیان‌شان؟ به نظر باباخان‌اف، این مهاجرت‌ها برای مهاجران تاجیک آثار مثبت و منفی دارد: اکثر جوانان تاجیک برای کار به روسیه می‌روند و در آن‌جا با دختران روس، تاتار و غیره ازدواج می‌کنند؛ متأسفانه عده‌ای از دختران تاجیک بی‌شوهر می‌مانند و یا بیشتر جوانان زن دوم از میان روس و ملت‌های دیگر اختیار می‌کنند. نتیجه این می‌شود که اختلاط فرهنگی به وجود می‌آید و آسیب‌های اجتماعی به دنبال خواهد داشت. به هر تقدیر، حضور تاجیکان را در کشورهای دیگر نباید نادیده گرفت. به نظر او، هر چه از هم‌وطنان خارج از کشور بیشتر فاصله بگیریم، بیشتر زبان می‌بینیم.